

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سؤالات تجزیه و ترکیب آیات ۱ الی ۴ سوره مبارکه نوح

• **إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)**

۱. بررسی "نوح" در لغت

▪ اسم ذات عَلَم از فعل نَاخَ عَلِي المَيِّت، يَنُوخُ، نَوْحًا: نوحه کرد.

۲. نوع "أن" و ترکیب "أن أنذر"

▪ دو احتمال:

۱. بنا بر قول بصیرین:

• آن تفسیریه و مابعدش جمله مفسره محلی از اعراب ندارد.

• نکته: این احتمال در صورتی است که "أرسلنا" را متضمن معنای قول بدانیم.

۲. بنا بر قول کوفین و ابن هشام:

• آن مصدریه و منصوب به نزع خافض

• تبیین زمخشری در این آیه: بَاء [مصاحبت] بر سر "أن" در تقدیر است و بعد

از "أن" فعل "قلنا له" در تقدیر است و فعل "أنذر" مقول قول است.

معنای آیه طبق این تقدیر: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم به همراه قول

خودمان که گفتیم قوم خودت را انداز کن...

▪ نکته ها

۱. بصیرین "أن" مفسره را پذیرفته اند اما کوفین و ابن هشام "أن" مفسره را قبول ندارند بلکه

اگر بر سر اسمیه آمده باشد آن را آن مخففه می گیرند و اگر بر سر جمله فعلیه آمده باشد

"أن" مصدریه می گیرند.

۲. شرائط "أن" مفسره در نزد قائلینش

• بین دو جمله آمده باشد.

• در جمله سابقه فعلی آمده باشد که از ماده قول نباشد ولی از لحاظ معنایی نزدیک

ماده قول باشد؛ مانند: انطلق الملاً منهم أن امشوا؛ فتنادوا مصبحین أن اغدوا علی

حرثکم

۳. حرف جرّ بر سر آن نیامده باشد.

۳. بررسی "یاتی" در لغت

- اُتِ، یأتی، اُتیا که اسم مصدرش اِتیان می باشد و این فعل هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی یک مفعولی استعمال شده است و معنای ریشه این فعل عبارت است از: آمدن با سهولت

• **قَالَ يَا قَوْمِ اِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)**

۴. نقش "یا قوم" و "اِنِّي نَذِيرٌ"

- نقش "یا قوم"
- مقول قول است و محلاً منصوب و چون بنابر قولي "یا" قائم مقام فعل "أدعو" است این جمله مقول قول جمله فعلیه به حساب می آید.
- نقش جمله: «اِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»:»
- جمله جواب نداست که محلی از اعراب ندارد.

۵. متعلق "لکم"

- متعلق به نذیر یا متعلق به فعل عامّ مقدرّ و حال مقدم است از ضمیر مستتر در "نذیر"

• **اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَ اتَّقَوْهُ وَ اطِيعُوْنَ (۳)**

۶. نوع آن و ترکیب "اَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ"

- سه احتمال ترکیبی در "اَنْ":
- می تواند بنابر قول بصرین تفسیر "نذیر" باشد و شرائط را نیز داراست زیرا ماقبلش جمله ای آمده که در آن اسمی "نذیر" آمده که به معنای قول است و بر سر "اَنْ" نیز حرف جرّ نیامده است.
- و می توانیم "اَنْ" را مصدریه بگیریم و مصدر مؤول را مفعول دوّم برای "نذیر" می گیریم زیرا "نذیر" صفت مشبّهه به معنای "مُنذر" است و "مُنذر" دو مفعولی به معنای ابلاغ (جهت ترساندن) است.
- و می توان آن را منصوب به نزع خافض (لام علّت) بگیریم و جار و مجرور را متعلق به "نذیر" بگیریم.

• **يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ اِلَىٰ اَجَلٍ مُّسَمًّى اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ**

**تَعْلَمُوْنَ (۴)**

۷. نقش "یغفر"

▪ بعد از فعل امر "أعبدوا و اتقوا و اطيعوا" جواب شرط مقدر است به قرينه امرهاي ماقبل

۸. معنای لام در "لکم"

▪ عَفَرَ لَهُ الذَّنْبَ، يَغْفِرُ، غَفْرَانًا که اسم مصدرش مغفرت می باشد بر سر یک مفعولش لام می آید و یک مفعولش را نیز بدون واسطه می گیرد.

۹. معنای "مِنْ" در "مِنْ ذُنُوبِكُمْ"

▪ اگر در مسأله زیادت "مِنْ" قول اخفش و کوفین را بپذیریم که برای زیادت "مِنْ" غیر موجه

بودن جمله سابقه را شرط نمی دانند می توانیم آن را زائده بگیریم اما بنا بر قول مشهور نمی توان "مِنْ" را زائده گرفت بلکه باید از معانی دیگر آنچه در اینجا مناسب است بگیریم و آن معنای تبعیض است و اینکه مراد چه گناهانی است که آمرزیده نمی شود مراد گناهانی است که هنوز شخص مرتکب نشده و مربوط به آینده است (علامه طباطبائی) و شاید هم مراد گناهان مربوط به حق الناس باشد. در صورت احتمال دوّم مفعول به "یغفر" در تقدیر است و "مِنْ ذُنُوبِكُمْ" صفت برای آن است؛ تقدیر: یغفر لکم ذنوباً یکون من ذنوبکم

۱۰. بررسی لغوی "أَجَلٌ"

▪ أَجَلَ الرَّجُلِ عَلَي قَوْمِهِ شَرًّا، يَأْجُلُ، أَجْلًا و أَجَلًا: به معنای تعیین مدت کردن است و أَجَلَ اسْمِ ذَاتِ اسْتِ به معنای وقت معین

۱۱. بررسی لغوی و صرفی "مَسْتَيٌّ"

▪ اسم مفعول از ماده "سمو" است و از باب تفعیل است و "مَسْتَيٌّ" به معنای "معین الاسم" است و گاهی به معنای مطلق "معین" استعمال می گردد که در آیه از همین قبیل است.

۱۲. نقش "إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَا يُوَخَّرُ"

▪ برخی تعلیلیه گرفته اند ولی تکلف دارد و برخی استینافیه گرفته اند و اگر استینافیه بگیریم دو احتمال دارد یا استیناف غیر بیانی است و یا استیناف بیانی و جواب سؤال مقدر (چرا پیش از زمان مسئی تأخیر صورت نمی گیرد) که استیناف بیانی گرفتن هم لزومی ندارد بلکه استینافیه غیر بیانی است جهت تأکید معنای "مَسْتَيٌّ"

۱۳. نقش جمله "لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" و نوع "لَوْ"

▪ جمله استینافیه است و اینکه نوع "لَوْ" چیست مفسرین قائلند که شرطیه است و جواب شرط به قرینه ماقبل محذوف است که البته تقدیر جواهمایی که گفته اند دارای تکلف است فلذا به نظر می رسد بتوان "لَوْ" را تمثیه گرفت و جواب تمثی نیز محذوف است یعنی ای کاش به عدم تأخیر عذاب یقین می داشتید و پس منتهی و نھی و امر پذیر می شدید.

• قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)

۱۴. نقش "إِنِّي دَعَوْتُ"

▪ جواب نداء و محلي از اعراب ندارد.